كانون فرهنگي- حمايتي كودكان كار (كوشا)

**برنامه ریزی استراتژیک کوشا :**

**در جهت لغو و کاهش کار کودک**

**حرکت :** در جهت حساس سازی و افزایش آگاهی و مشارکت جامعه در جهت لغو و کاهش کار کودک

**جامعه:** مردم معمولی، شهرداری، بیمارستان، سازمانهای غیر دولتی، سی بی اوهای محلی، گروههای مذهبی و کارفرمایان یا بخش خصوصی خرده پا و پلیس (در مورد پلیس و نیروی انتظامی در خیلی موارد موفق بودیم ولی در مورد برخورد با نیروهایی مثل سپا پاسداران و بسیج محلی (شورایاری) موفق نبودیم)

**به روش:** توجه به کودکان کل منطقه که در بسیاری موارد از سن پایین به جرگه کودکان کار می پیوندند. به عنوان پیشگیری و سپس درمان آسیب های ناشی از کار کودک از طریق فعالیتهایی:

**فعالیتها:**

1 - ایجاد فضای دوستدار کودک، که کودک بتواند در آن بازی کند، آموزش ببیند، رشد کند و به حقوق خود آشنا گردد.

**به روش:**

1 - برگزاری کلاسهای نقاشی، هنر، بازی، آموزش مهارتها و ...

2 – برگزاری کلاسهای حقوق کودک برای کودکان و خانواده شان (به ترتیب برادر و خواهر بزرگتر و نهایتا پدر)

3 – ایجاد مدرسه کودکان بازمانده از تحصیل (تاسیس از سال 88) به عنوان فضایی که کودکان بتوانند ساعاتی از روز را به بازی، شادی و ... و نهایتا آموزش ببینند و از فضای خشونت بار کار جدا گردد.

4 - کشاندن مادر و افراد بزرگسال خانواده به این فضا برای اینکه آنها هم بتوانند در خانه (البته اگر بشود آن فضا را خانه نام گذاشت) در راستای حرکات کانون بتوانند فضای خانه را مامنی برای کودک بکنند. در مورد پدران به روش مستقیم موفق نبودیم و نهایتا از طریق بالابردن آگاهی سایر اعضای خانواده تاثیر گذاری آنان روی پدر موفق بودیم.

5 - ایجاد سه مرکز حرفه آموزی برای آموزش مادران و افراد بزرگتر خانواده - به جز پدر – به روش کارگاه خیاطی، آرایشگری، آشیزخانه محلی. به طوری که این افراد در این سه مرکز دوره های مهارت آموزی می گذرانند تا بتوانند برای خانواده درآمدزایی کنند تا نهایتا با کار آنها، کودک بتوانند به طور کامل یا نیمه از فضای کار دور شود.

6 - ایجاد مهد کودک برای آموزش و نگهداری فرزندان زیر شش سال خانواده به این منظور که زمانی مادران خانواده در کارآفرینی یا سایر کلاسها آموزش می بیند دغدغه فرزند خردسال خود را نداشته باشد و کودک نیز در محیط امنی آموزش ببیند.

7 - ایجاد کلاسهای کمک درسی برای کودکانی که ضعف تحصیلی دارند و نهایتا این ضعف تحصیلی منجر به ترک تحصیل و گرویدن به بازار کار می شود (چون با اولین تجدیدی پدر گوش کودک را می گیرد و او را در اولین تراشکاری، یا مکانیکی و یا حرفه های دیگر برای کار می گذارد) و در نتیجه کودک مجبور می شود خیلی زود با دوران زیبای کودکی (بازی، شادی، آموزش...) خداحافظی کند.

8 - ایجاد کارگاههایی برای آموزش مربیانی که داوطلبانه و یا به صورت کارمند موظف با کانون همکاری می کنند تا آنان بتوانند محیطی ایمن و دوستدار کودک در کانون ایجاد کنند.

9 – حمایتهای حقوقی از کودکان و خانواد های آنها در برخورد با مشکلات قضایی که بر سر راه کار و زندگی و آموزش آنان قرار می گیرد از طریق وکلای داوطلب.

10 – حمایتهای اجتماعی و اقتصادی از کودکان و خانواده های آنان در موارد بسیار از طریق حامیان اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کانون (شناسنامه گرفتن برای کودکان ایرانی که به دلایل مختلف روابط صیغه ای و اعتیاد و ... پدر و مادر از ابتدایی ترین حقوق خود که داشتن هویت است برخوردار نیستند. و یا پیدا کردن کار برای پدر یا مادر یا سایر اعضای خانواده و یا معرفی آنان به موسسات آموزشی، مثل قلم چی و سایر آموزشگاهها، و معرفی به بانکها و ... برای گرفتن وام و ....)

11- در ضمن کانون در پژوهش های بنیادین خود در رابطه با دلایل ایجاد کار کودک در کنار سایر عوامل بنیادی، مهاجرت خانواده به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، جنگ، ... از مناطق محروم کشور را یکی از عوامل کار کودک می داند. کانون از سال 85 توانست با ایجاد شعباتی در شهرهای استان بلوچستان، کرمانشاه، قزوین، سمنان، ... با همکاری با داوطلبان آن شهرها برای مبارزه با کوردک ایجاد کند تا بتواند در ان مناطق هم فعالیتهای بالا را برای مبارزه با آسیبهای ناشی از کار برای کودک داشته باشد.

دنباله دارد...

**حرکتهای آینده**

برنامه سالهای بعد کانون علاوه بر ادامه موارد بالا، ایجاد ارتباط بیشتر با نیروهای پلیس، شهرداری، بیمارستان، سازمانهای غیر دولتی، سی بی اوهای محلی، گروههای مذهبی و کارفرمایان بخش خصوصی خرده پا و نهایتا دولت، برای ظرفیت سازی همه افراد جامعه در کاهش آسیبهای ناشی از کار برای کودک است.

برنامه بعدی کانون که پایه های آن از فروردین 93 گذاشته شده، مستندسازی تمام تجربیات گذشته خود و تدوین آن به شکل الگوی عمل (الگوسازی) برای سازمانهای غیر دولتی در سایر نقاط کشور است.

**مشکلات:**

1 - عدم همکاری و اعتماد جامعه به خصوص جامعه محلی بر اثر عدم آگاهی و عدم اعتماد به کانون

2 – عدم همکاری و یا شاید بهتر است بگوییم همکاری کم ارگانهای دولتی با کانون

3 – عدم شرکت فعال و یا شرکت کم افراد داوطلب و موظف در کارگاههای آموزشی (به طوری که بسیاری از حامیان و داوطلبان در سالهای اول ارتباط با کانون ترجیح می دهند کمک مالی و یا کمک آموزشی داشته باشند تا در عرصه مبارزه با چالش های مختلف تلاش کنند).

**راهکاری ما برای مبارزه با مشکلات بالا:**

1 - دعوت مردم محلی و سایر افراد جامعه به دستاوردهای کانون در سالهای گذشته

2 - کمک خواستن از افراد با نفوذ محلی و سایر افراد جامعه برای نشان دادن دستاوردها

3 – تخصیص زمانهای زیادی برای رفتن نزد افراد و ارگانهای بانفوذ با کار کودک برای اشاعه این آگاهی

4 - ...

**نتایج قابل پیش بینی:**

بهبود شرایط بهداشتی و آموزشی کودکان کار، افزایش مشارکت بیشتر جامعه محلی، تغییر مشاغل کودکان از مشاغل پرخطر به کم خطرتر و کاهش آسیبهای ناشی از کار کودک و نهایتا قدم نهادن در مسیر توسعه پایدار این حرکت

**در این مدت کانون کوشا به پژوهش هایی دست زده شامل:**

1 – پژوهش برای شناسایی انواع کار کودک که مستند آن موجود می باشد (کار کودک: شامل کودک کار در سراجی ها، خیاطی هل، مکانیکی، کار خانه داری، نظافت، پخت و پز، نگهداری از کودکان کوچکتر و سالمندان خانواده، کار خانگی شامل: آلبوم سازی، قندشکنی، برس سازی، طناب پیچی در فضای کوچک و تاریک خانه خود – که تمام خانه شامل یک اتاق است- کار در خیابان به صورت دست فروشی، باربری، تکدی گری، شیشه پاک کنی؛ ....

2 – تحلیل از وضعیت موجود منطقه ای که کانون در آن فعالیت می کند (مستند آن موجود می باشد) به طوری که کودکان منطقه 80 درصد یا کار می کنند یا در معرض کار هستند؛ 50 درصد از زیر دبستان شروع به کار می کنند. دختران از 4 سالگی کار خانه داری را که شامل نظافت و نگهداری از سالمند و کودکان خردسال خانواده را آغاز می کنند. پسران دست فروشی، تکدی گری.

3 - 90 درصد کودکان افغان منطقه فاقد برگه هویت هستند. و دائم در معرض تهدید نیروهای امنیتی و 30 درصد از افراد فاقد شناسنامه وضعیت تحصیلی و بیمه نامشخص هستند.

4 – 80 درصد مردم منطقه را مهاجران داخلی و خارجی تشکیل می دهند.

5 - 90 درصد مردم منطقه زیر خط فقر و 70 درصد 5 نفر به بالا و در یک اتاق با سرویس بهداشتی مشترک با سایر خاهنواد های دیگر ساکن در خانه زندگی می کنند.

6 - اغلب این کودکان: عدم آشنایی ابتدایی با حقوق کودک، کم سوادی ، بی سوادی، مواجه با انواع خشونت مثل بی توجهی، غفلت، تنبیه، تحقیر، آزار جسمی، آزار جنسی، سوتغذیه، اعتیاد... روبر هستند.

ادامه دارد...

**نیازهای کودکان در منطقه:**

برگه هویت،

بیمه خدمات درمانی و بهداشتی،

تغذیه مناسب،

مددکاری و مشاوره،

مداخله و حمایت در شرایط کاری بد کودک

کاهش ساعت کاری و انواع خشونت ناشی از کار کودک

نیاز به امکانات آموزشی

نیاز به امکانات ورزشی

نیاز به امکانات مهارت آموزی

مصونیت کودکان در مقابل خشونت، تبعیض جنسیتی، قومیتی

آموزش مهارتهایی برای بقا

بالابردن قدرت تاب آوری در برابر آسیبهای و مشکلات زندگی آنها

و نهایتا مشکلات:

ضعف تطابق قوانین داخلی و بین المللی

ضمانت اجرایی برای کاهش و حذف کار کودک

ضعف همراهی و مشارکت دولتی ها

نگاه جرم شناسانه پلیس، دستگاه قضایی به کودک کار

ضعف آگاهی جامعه در ارتباط با کار کودک

**نتایجی که کانون سعی دارد در ارتباط با این آسیب به آن برسد:**

* شبکه سازی برای معضل و آسیب کار کودک
* افزایش پتانسیل فعالان اجتماعی و مشارکت حداکثری
* افزایش مشارکت افراد با نفوذ
* کمک به تغییر دیدگاه مردم، پلیس و دستگاههای قضایی به پدیده کار کودک
* ...

فاطمه ایزدپناهی

(مریم پناهی)